

تپه قبرستان دره‌شهر گورستانی از دوره‌ی مفرغ قدیم در پیشکوه

خداکرم مظاهری

استادیار گروه باستان‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ایلام
kh.mazaheri @ yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۰۶/۱۰، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۰۹/۲۴
(از ص ۶۷ تا ۸۶)

چکیده

در این مقاله سفال‌های گردآوری شده در بررسی‌های باستان‌شناسی تپه قبرستان دره‌شهر مطالعه و تحلیل شده است. این محل، یک گورستان مرتبط با استقرارهای کوچ‌نشینی است که در شمال غرب شهر دره‌شهر و در جنوب شرق استان ایلام واقع است. تپه قبرستان دره‌شهر نخستین بار در جریان بررسی‌های باستان‌شناسی منطقه در سال ۱۳۸۴ شناسایی گردید و در سال ۱۳۸۵ دوباره مورد بررسی قرار گرفت. نتایج بررسی‌های باستان‌شناسی حاکی از این است که به احتمال زیاد این گورستان در ربع دوم هزاره سوم ق.م. شکل گرفته است. نیمه‌ی نخست هزاره سوم ق.م. یکی از دوره‌های مهم باستان‌شناسی حوزه‌ی زاگرس مرکزی است که تغییر و تحولات فرهنگی عمیقی در این دوره رخ داده است. یکی از مهم‌ترین این تحولات ظهور ناگهانی سنت سفال منقوش یک‌رنگ شوش IVA / گودین III است که بیش از یک هزاره دوام آورد و در سراسر زاگرس مرکزی گسترش یافته است. توسعه این سنت سفال‌گری موجب شد که زاگرس مرکزی در بیشتر دوران مفرغ به شکل یک حوزه فرهنگی مستقل خودنمایی کند. از ابهامات مرتبط با سنت سفال منقوش یک‌رنگ شوش IVA / گودین III چگونگی شکل‌گیری آن و نیز گسترش سریع آن است. از سوی دیگر، مشخص نیست که این سنت سفال‌گری اولین بار در چه نواحی ظهور نمود. سفال‌های تپه قبرستان دره‌شهر بیشترین و نزدیک‌ترین تشابهات را با سفال‌های دوره شوش III، به‌ویژه سفال‌های مکشوف از لایه‌های ۱۳-۱۵ شهر شاهی I (شوش III C) دارند. در واقع، مطالعه سفال‌های تپه قبرستان دره‌شهر نشان می‌دهد که در دهه‌های جنوبی زاگرس مرکزی، پیش از شکل‌گیری سنت سفال منقوش یک‌رنگ شوش IVA / گودین III، سنت سفال آغازعیلامی (مراحل III C - III B شوش) رایج بوده است. نتایج این تحقیق نشان‌دهنده نفوذ فرهنگ آغازعیلامی در دهه‌های جنوبی زاگرس مرکزی و نقش مهم آن در شکل‌گیری سنت سفال منقوش یک‌رنگ شوش IVA / گودین III است. به نظر می‌رسد که سنت سفال منقوش یک‌رنگ، ابتدا در برخی دهه‌های جنوبی زاگرس مرکزی توسعه یافته است.

کلیدواژگان: تپه قبرستان دره‌شهر، استان ایلام، آغازعیلامی، زاگرس مرکزی، دوره‌ی مفرغ قدیم.

مقدمه

سنت سفال منقوش یک‌رنگ گودین III مهم‌ترین سنت سفال‌گری حوزه زاگرس مرکزی در دوران مفرغ است که بیش از یک هزاره تداوم یافت. از نکات قابل توجه در مورد این نوع سنت سفال‌گری این است که مواد فرهنگی منسوب به سرعت در سراسر حوزه زاگرس مرکزی گسترش یافته است. از سوی دیگر، این نوع سنت سفال‌گری پس از این که به سطح پیشرفته‌ای رسیده، ناگهان در گودین تپه پدیدار می‌شود و در واقع مراحل اولیه شکل‌گیری آن در گودین تپه یا دره کنگاور نبوده است (Henrickson, 1987 b: 42 & Haerink, 2011: 78). براساس مطالعات انجام‌شده در تپه گودین، این مرحله به ۷ مرحله متوالی کوچک‌تر لایه‌نگاری شده است (Henrickson, 1987 a: 205 & 214 & 1987 b: 35). وضعیت توزیع سفال گودین III را در ۶ ناحیه جغرافیایی توضیح داده‌اند (Ibid, 1987 a: 206).

به نظر هنریکسون، سفال‌های چند رنگ اواخر هزاره چهارم و اوایل هزاره سوم ق.م. در نواحی دیاله سفلی، حوضچه حمیرین، پشتکوه، لرستان جنوبی (قبرستان میرولی)، دهلران و شوشان، محتمل‌ترین پیشینه‌ها برای سنت سفال منقوش یک‌رنگ شوش IVA / گودین III است. با این حال ماهیت چنین پیشرفتی معلوم نیست، زیرا از نظر باستان‌شناسی به‌ویژه محدوده زمانی اوایل تا اواسط هزاره‌ی سوم ق.م. بیشتر لرستان بسیار کم شناخته شده است (Ibid, 1987 b: 42). پرسش‌های مهمی که در این زمینه به ذهن می‌رسد؛ نخست، این است که چه عاملی و چگونه باعث توزیع سریع این سنت سفال‌گری در اواسط هزاره سوم ق.م. در سراسر زاگرس مرکزی گردید؟ و دیگری، این که منشأ آن کجاست؟ یا در کدام نواحی مراحل اولیه شکل‌گیری آن سپری شد؟

در دره‌های مناطق شمال شرقی حوزه زاگرس مرکزی، شاهد نفوذ جنوبی‌ترین دامنه‌های گسترش سنت سفال‌گری فرهنگ ماوراء قفقاز قدیم III و II (گودین IV) هستیم که نشان‌دهنده پایان یافتن مجموعه‌های فرهنگی مس‌سنگی بومی منطقه و اوروک جدید در این حوزه است. این دوره به ثلث نخست هزاره‌ی سوم ق.م. تاریخ‌گذاری شده است (Ibid, 1991: 291). این در حالی است که کمبود مدارک باستان‌شناسی مکشوف از دره‌های لرستان مرکزی موجب اشاره برخی از باستان‌شناسان به وجود شکاف زمانی میان دوره‌ی مس‌سنگی جدید و دوره‌ی مفرغ قدیم این حوزه شده است (Henrickson, 1986: 21 & Schmidt et al. 1989, Vol. 1: 485)؛ از سوی دیگر، باوجود کاوش‌های لایه‌نگاری شده در شوش، گاه‌نگاری نسبی اوایل هزاره سوم ق.م. دشت شوشان تا حدودی مبهم است. حجم اندک خاک‌برداری از بالای محوطه کاوش آکروپل و نیز لایه‌های ۱۳-۱۵ محوطه کاوش شهر شاهی I، همراه با وقفه‌های احتمالی در این توالی، موجب شده که وضعیت پایان دوره‌ی آغازعیلامی مبهم باشد (لوبرن، ۱۳۷۶: ۵۵؛ Emberling, 1995: 78, Car-ter, 1979: 453 & 1980: 13).

در میان چین‌خوردگی‌های جلوی ارتفاعات زاگرس در شمال دشت شوشان و شرق دشت‌های دامنه‌ای حمیرین و دهلران و در دره‌های جنوبی ناحیه پیشکوه شماری از گورستان‌های مرتبط با زندگی کوچ‌نشینی شناسایی گردیده که به نیمه اول هزاره سوم ق.م. تاریخ‌گذاری شده‌اند. مدارک کمی از سکونت یک‌جانشینان

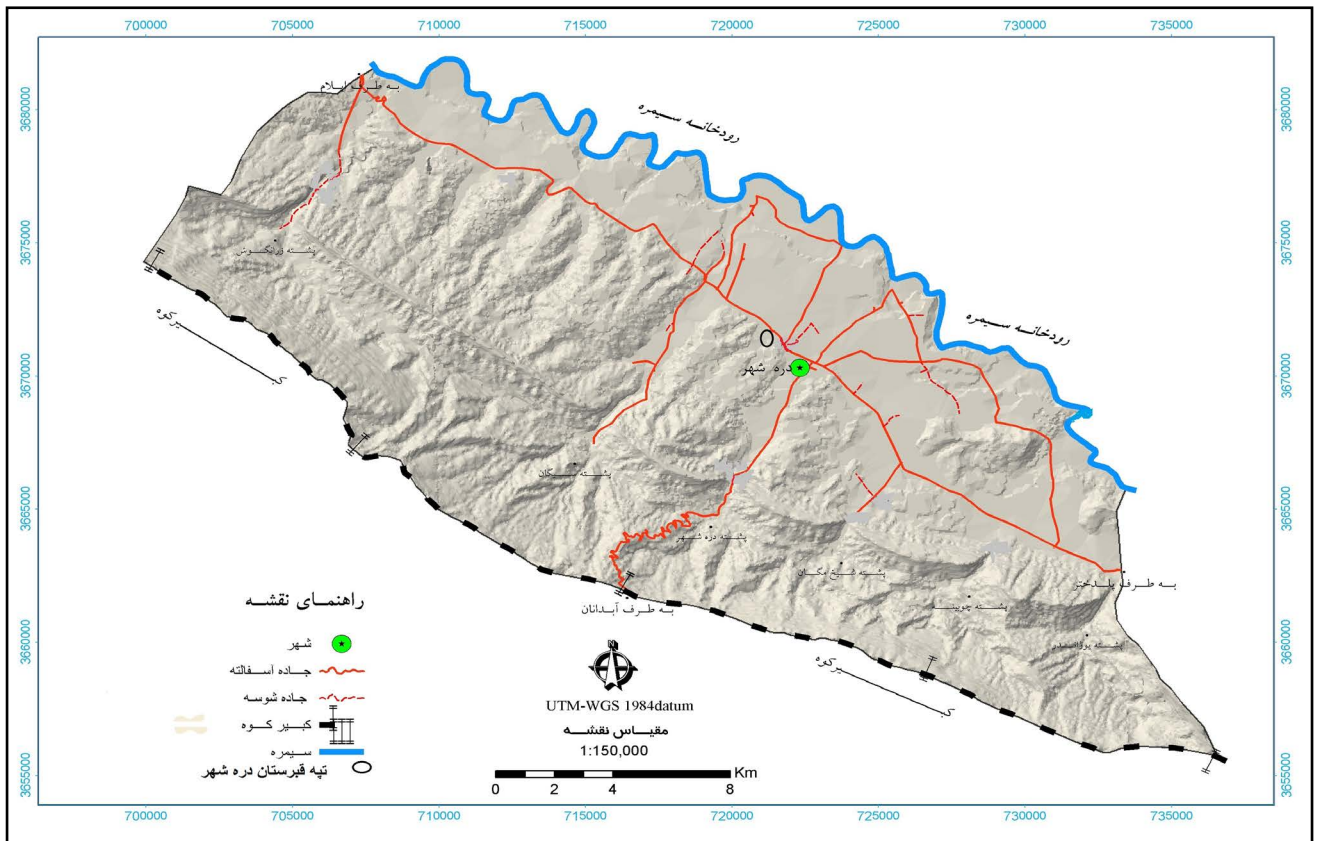
هم‌زمان با این گورستان‌ها در این نواحی به‌دست آمده است. مشهورترین این گورستان‌ها عبارت‌اند از: بان سُرْمه، کل نَسار، دارتَنبیا، میرخیر، پشت‌قلعه، قبر ناهی، تَوْرَسا و تخت‌خان در ناحیه پشتکوه و گیلوران، جارعلی، میرولی و کُنْجی (پرویز و خدیش، ۱۳۹۱؛ Haerinck, 2011: 60-71) و دول‌پهن (مظاهری، ۱۳۸۹) در ناحیه پیشکوه. گورستان‌های مذکور همگی در نیمه اول هزاره سوم ق.م. پدیدار می‌شوند. گاف آن‌ها را به دو گروه تقسیم نموده است (Goff, 1971: 146 & 148). یکی از مسائل مرتبط با این گورستان‌ها این است که قبور در دوره‌های بعدی مورد استفاده مجدد قرار گرفته‌اند و در این جریان، اشیاء قدیمی و بقایای استخوانی غالباً جابه‌جا شده و حتی ممکن است که بقایای قدیمی‌تر را از درون قبور بیرون ریخته باشند. بسیاری از قبور برای قرون متمادی مورد استفاده مجدد قرار گرفته‌اند. این مسئله مشکلاتی را در تفسیر و تشریح اشیاء و مواد فرهنگی درون قبور فراهم می‌آورد و تاریخ‌گذاری دقیق قبور و مواد فرهنگی درون آن‌ها را مشکل می‌کند (Haer-inck & Overlaet, 2002: 170, 173 & 176). از یک‌طرف قبور با تدفین‌های گوناگون و متوالی، شرایط را برای توصیف یافته‌های تدفینی مشکل می‌نماید و از سوی دیگر، در این دوره در لرستان (پیشکوه و پشتکوه/ استان‌های لرستان و ایلام امروزی) با یک نوع سنت سفال‌گری مواجه نیستیم. در ناحیه پشتکوه سه نوع سنت سفال‌گری متفاوت در نیمه اول هزاره سوم ق.م. قابل تشخیص است (Haer-inck, 2011: 57). گسترده‌ترین کاوش‌ها و مطالعات مرتبط با این سری گورستان‌ها توسط هیأت باستان‌شناسی بلژیکی به سرپرستی پرفسور لویی‌واندنبِرگ انجام گرفته است. در ناحیه پشتکوه، تمامی مواد فرهنگی دوران مفرغ از درون قبور به دست آمده است. دوره‌ی مفرغ قدیم پشتکوه را به سه مرحله کوچک‌تر تقسیم نموده‌اند: مرحله A (۲۸۰۰/۲۷۰۰-۳۲۰۰ ق.م.) که دوره‌ی جم‌دت‌نصر تا سلسله‌های قدیم I را شامل می‌شود. مرحله B (۲۳۰۰-۲۸۰۰/۲۷۰۰ ق.م.) که از اواخر دوره‌ی سلسله‌های قدیم I تا دوره‌ی اکد را در بر می‌گیرد و مرحله C (۲۰۰۰-۲۳۰۰ ق.م.)، (Haerinck & Overlaet, 2002: 168, 170 & 177). براساس گونه‌شناسی و مطالعه سفال‌ها، هم‌زمان با مرحله B، می‌توان سه منطقه‌ی متمایز را در پشتکوه از هم تشخیص داد که هر کدام از این مناطق سه‌گانه، بیش‌ترین تماس‌ها را با نزدیک‌ترین همسایگان خود داشته است: ۱- منطقه‌ی شمال‌غرب پشتکوه شامل مناطق ایلام، ایوان و شیروان چرداول که بیش‌ترین تماس‌ها را با ناحیه میان‌رودان داشته است. ۲- منطقه‌ی مرکزی شامل محدوده‌های پیرامون بدره که بیش‌ترین تماس‌ها را با ناحیه پیشکوه مرکزی داشته است. ۳- منطقه‌ی جنوبی پشتکوه شامل مناطق پیرامون آبدانان که با مناطق رومشگان و دهلران در تماس بوده است (Ibid: 171). به نظر امبرلینگ، این گورستان‌ها در امتداد مسیل‌های رودخانه‌ای مرتبط با محل‌های باستانی واقع در اراضی پست شکل گرفته‌اند. گورستان‌های منطقه‌ی شمال‌غرب پشتکوه، احتمالاً در امتداد مسیرهای کوچ به سمت شهر در (Der)، یا به سمت دیاله و حمیرین قرار دارند. گورستان‌های منطقه‌ی جنوبی پشتکوه در امتداد رودخانه دویرج در نزدیک آبدانان و در بالای دشت دهلران واقع‌اند و سرانجام این‌که گله‌داران کوچ‌نشین مرتبط با سکونتگاه‌های سرزمین شوشان، احتمالاً گورستان‌های در امتداد رودخانه سیمره را مورد استفاده قرار داده‌اند (Emberling, 1995: 88). در

این مقاله با هدف روشن نمودن گوشه‌ای از ابهامات موجود در باستان‌شناسی دوره‌ی مفرغ قدیم حوزه زاگرس مرکزی، به معرفی و مطالعه یافته‌های مکشوف از یک مورد از این گورستان‌ها می‌پردازیم.

تپه قبرستان دره‌شهر: موقعیت و پیشینه مطالعات

این محل یک گورستان باستانی مرتبط با استقرارهای کوچ‌نشینی است که در جنوب‌شرقی گورستان معاصر شهر دره‌شهر (مرکز شهرستان دره‌شهر، استان ایلام)، در ۱۵۰ متری جنوب جاده آسفالت دره‌شهر- ایلام و بر روی تپه‌ای طبیعی که ادامه دامنه‌های شمالی کبیرکوه است، قرار دارد. سطح قاعده تپه به صورت تقریباً بیضی بوده و با شیب نامنظم و نسبتاً تندی به سطح اراضی نسبتاً هموار پیرامون منتهی می‌شود. رأس تپه به دلیل ارتفاع بالای آن، کاملاً به اراضی پیرامون مشرف است. آب سراب دره‌شهر از فاصله تقریبی ۱ کیلومتری شرق و رودخانه سیمره از فاصله تقریبی ۵ کیلومتری شمال آن می‌گذرد (نقشه ۱ و تصویر ۱). این محل نخستین بار، در سال ۱۳۸۴ طی فصل دوم بررسی و شناسایی باستان‌شناسی دره سیمره با عنوان «تپه قبرستان (۲) دره‌شهر» شناسایی شده و مورد بررسی و مطالعه قرار گرفت (مظاهری، ۱۳۸۵: ۲۲۲). طی این بررسی در رأس تپه آثار فرهنگی ضعیف و محدودی از دوره‌های مس سنگی و قرون اولیه اسلامی، شامل قطعات سفال و ابزارها و تراشه‌های سنگ‌چخماق و تکه‌های محدودی شیشه مشاهده شد. با بررسی‌های بیشتر مشخص گردید که بر اثر حفریات غیرمجاز روی شیب تند دامنه‌ی جنوبی

نقشه ۱: دره سیمره و موقعیت تپه قبرستان دره شهر (نگارنده، ۱۳۹۳). ▼





▲ تصویر ۱: عکس هوایی از موقعیت تپه قبرستان دره شهر (Google Earth 2013).

تپه، دو قبر تخریب شده و در نتیجه قطعات فراوانی سفال و استخوان در پیرامون قبور آشکار شده بود (همان: ۲۲۲-۲۳۴). در سال ۱۳۸۵ بار دیگر باهدف انجام مطالعات دقیق‌تر، محوطه مورد بررسی مجدد قرار گرفت. در جریان این بازدید با ۴ قبر دیگر که تازه تخریب شده بودند؛ مواجه شدیم. دزدان پس از تخریب و غارت قبور، دوباره آن‌ها را تا حدودی پر کرده بودند. قبور اخیر، در رأس نسبتاً هموار تپه قرار داشتند و در نتیجه حفریات غیر مجاز، قطعات فراوانی سفال، استخوان و لاشه و قلوه‌سنگ بیرون ریخته شده بود (همان، ۱۳۸۸: ۹-۱۰ و ۲۲۱-۲۳۴).

ساختمان قبور

بررسی‌های سطحی و مطالعه دیواره گودال‌هایی که در اثر حفریات غیر مجاز ایجاد شده بود، حاکی از این است که سراسر سطح و دامنه‌های این تپه از نهشته‌های طبیعی، شامل لایه‌های خاک رس قرمز و خاکستری رنگ، لاشه و قلوه‌سنگ و قطعه سنگ‌های آهکی بزرگ تشکیل شده و هیچ‌گونه نهشته‌های فرهنگی مشهود نیست؛ علاوه بر قبور متعلق به دوران مفرغ که در رأس و دامنه‌های جنوبی تپه ایجاد شده‌اند، در رأس تپه نیز آثار فرهنگی ضعیفی متعلق به دوره‌های مس‌سنگی و قرون اولیه اسلامی پراکنده است. به علت پراکنده بودن قبور غارت شده و مشخص نبودن نشانه‌های سطحی، برآورد ابعاد گورستان و یا تعداد قبور مشخص نیست. اطلاعات دقیقی در مورد ابعاد، جهت و یا تعداد قبور نیز به دست نیامد. همچنین در قسمت‌های دست‌نخورده سطح محوطه، هیچ‌گونه عارضه‌ای که دال بر وجود قبر باشد، دیده نمی‌شود. از آنجایی که قاچاقچیان دوباره قبور را تا حدود زیادی پر نموده‌اند، اطلاعات چندانی در مورد ساختمان قبور به دست نیامد. با این حال، براساس مشاهدات کنونی، باید اشاره کرد که قبور در داخل زمین ایجاد شده‌اند و در ساخت آن‌ها از قطعات بزرگ سنگ‌های لاشه‌ای و قلوه‌ای استفاده شده و به نظر می‌رسد که عمق برخی از آن‌ها در حدود دو متر بوده است.

گونه‌شناسی سفال‌ها

در این مقاله، تعداد ۶۲ قطعه از نمونه سفال‌هایی که در جریان بررسی‌های سال‌های ۱۳۸۵ - ۱۳۸۴ از سطح این گورستان گردآوری شده، مطالعه و گونه‌شناسی شده است (طرح ۱، جدول ۱ و تصاویر ۲-۵). رنگ خمیره سفال‌ها، متنوع بوده و از این نظر، سفال‌های مجموعه مذکور را می‌توان به سه گروه عمده تقسیم نمود: سفال‌های با خمیره‌ای در طیفی از رنگ نخودی، سفال‌های با خمیره‌ای در طیفی از رنگ قرمز و سفال‌های با خمیره‌ای در طیفی از رنگ قهوه‌ای؛ علاوه بر این، به ندرت خمیره برخی از سفال‌ها خاکستری است، بعضاً خمیره برخی از سفال‌ها نیز سیاه شده است.

در ساخت اکثر نمونه‌ها، از ماده چسباننده معدنی استفاده شده است. درون بافت اغلب نمونه‌ها مواد آهکی به شکل ذرات سفید رنگ دیده می‌شود. همچنین در بافت برخی از سفال‌ها، کانی‌های ریز به رنگ سیاه قابل رؤیت است. بر روی جداره برخی از نمونه‌ها، ذرات طلائی رنگی دیده می‌شود که جلای فلزی دارند. سطوح سفال‌ها صاف و هموار است. روی جداره تعدادی از نمونه‌ها مواد معدنی رسوب نموده است؛ علاوه بر این، روی جداره برخی از سفال‌ها آثار لکه‌های غلیظی دیده می‌شود که احتمالاً در اثر تجزیه مواد آلی حاصل شده است. روی یک سطح، یا بیشتر مواقع روی دو طرف اکثر سفال‌ها پوشش‌های گلی غلیظ یا رقیقی به کار رفته است که می‌توان آن‌ها را به دو گروه عمده تقسیم نمود؛ پوشش‌های گلی در طیفی از رنگ نخودی و پوشش‌های گلی کرم رنگ. روی جداره چند نمونه پوشش‌های گلی به رنگ‌های قهوه‌ای، قهوه‌ای روشن یا قرمز نیز استفاده شده است (طرح ۱: ۱۷، ۴۹ و ۵۹).

در میان مجموعه هم سفال‌های دست‌ساز هم سفال‌های چرخ‌ساز وجود دارد. درجه حرارت مورد نیاز برای پخت سفال‌ها کافی بوده و رنگ خمیره اکثر نمونه‌ها یک‌دست است. به ندرت خمیره برخی نمونه‌ها سیاه شده است. اکثر سفال‌ها به یک یا دو روش مختلف تزئین شده‌اند و سفال‌های ساده تعداد کمی از مجموعه را تشکیل می‌دهد. عمده تزئینات سفال‌ها؛ تزئینات منقوش یک‌رنگ و باندها و نوارهای برجسته است. در این میان، بیش‌ترین تزئینات منقوش یک‌رنگ را نوارهای خطی در تعداد و ضخامت‌های مختلف تشکیل می‌دهد.

به‌طور کلی تزئینات منقوش یک‌رنگ روی سفال‌ها را می‌توان به چهار گروه عمده گروه‌بندی نمود: ۱- نقوش نواری مستقیم افقی، عمودی یا مورب در تعداد و ضخامت‌های متفاوت روی بدنه، روی لبه، زیر لبه و بالای کف (طرح ۱: ۵، ۷-۹، ۱۱-۱۳، ۱۶، ۱۹، ۲۰، ۲۹، ۳۲، ۳۴، ۳۸، ۳۹، ۵۱ و ۶۲). ۲- ترکیب نوارهای عمودی مستقیم و موج‌دار (طرح ۱: ۲۰، ۳۹، ۴۵، ۴۸، ۴۹ و ۶۰). ۳- طرح‌های شطرنجی (طرح ۱: ۲۷، ۴۰-۴۲ و ۴۶). ۴- ترکیب نوارهای افقی مستقیم و موج‌دار (طرح ۱: ۵۰ و ۵۴).

علاوه بر این چهار گروه عمده، در میان مجموعه، نقش‌مایه‌های کمان‌های سه‌تایی (طرح ۱: ۷)؛ مثلث‌های بادبانی شکل و مثلث‌های توپر در کنار هم (طرح ۱: ۴۳ و ۵۷) نیز وجود دارد. متنوع‌ترین طرح‌های تزئینی منقوش یک‌رنگ را، روی کاسه‌های عمیق قیفی شکل می‌بینیم (طرح ۱: ۱-۴). این کاسه‌ها دارای جداره‌های صاف و همواری بوده و جزئیات فرم بدنه آن‌ها تا حدودی با هم متفاوت است؛

جدول ۱: مشخصات فنی سفال‌های طرح ۱ (نگارنده، ۱۳۹۳).

شماره طرح	توصیف (رنگ خمیره، رنگ درونی، رنگ بیرونی، شاموت، ساخت، کیفیت ساخت، یخت، تزئین)	نمونه قابل مقایسه
۱	نخودی نازنجی، پوشش نخودی، پوشش نخودی، مواد معدنی و گیاهی، دست‌ساز، ظریف، مناسب، نقش قرمز قهوه‌ای و باند برجسته.	Carter, 1980, fig. 15: 6; Haerincq & Overlaet, 2002, fig.7: 5, Schmidt et al. 1989, Vol. 2, pl.79: d & g-h, 81: b & e-f.
۲	نخودی قهوه‌ای، پوشش کرم زرد، پوشش کرم زرد، مواد معدنی، چرخ‌ساز، ظریف، مناسب، نقش قرمز و باند برجسته.	Haerincq & Overlaet, 2002, fig.7:5, Schmidt et al. 1989, Vol. 2, pl. 79: d & g-h , 81: b & e-f.
۳	نخودی قهوه‌ای، پوشش نخودی، پوشش نخودی سرخ، مواد معدنی، چرخ‌ساز، ظریف، مناسب، نقش قرمز و نوار کنده.	Haerincq & Overlaet, 2002, fig.7:5, Schmidt et al. 1989, Vol. 2, pl.79: g-h & pl. 81: b, Haerincq, 2011, pl. 16: 5.
۴	نخودی قهوه‌ای، پوشش نخودی تیره، پوشش نخودی تیره، مواد معدنی، چرخ‌ساز، ظریف، مناسب، نقش قرمز و باند برجسته.	Schmidt et al. 1989, Vol. 2, pl. 81: b.
۵	قرمز، قهوه‌ای روشن، پوشش نخودی تیره، مواد معدنی، چرخ‌ساز، معمولی، مناسب، نقش قرمز.	Carter, 1980, fig. 16: 4 & fig. 26:3-4 & fig. 27: 1.
۶	قرمز، پوشش نخودی قهوه‌ای، پوشش کرم، مواد معدنی، چرخ‌ساز، ظریف، مناسب.	Vallat, 1971, fig. 62: 7. لوبرن، ۱۳۷۶، شکل ۳۶: ۶.
۷	نخودی صورتی، پوشش نخودی، پوشش نخودی، مواد معدنی، چرخ‌ساز، ظریف، مناسب، نقش قرمز تیره.	Schmidt et al. 1989, Vol. 2, pl. 86: b.
۸	قرمز، پوشش نخودی قهوه‌ای، پوشش نخودی، مواد معدنی، چرخ‌ساز، ظریف، مناسب، نقش قرمز روشن.	
۹	نخودی صورتی، پوشش نخودی، پوشش نخودی، مواد معدنی، چرخ‌ساز، ظریف، مناسب، نقش قرمز روشن.	Henrickson, 1987 _b , fig. 7: 3.
۱۰	نخودی تیره، پوشش نخودی، پوشش نخودی قهوه‌ای، مواد معدنی، چرخ‌ساز، ظریف، مناسب.	Henrickson, 1987 _b , fig. 11: 5, Schmidt et al. 1989, vol. 2, pl.79: a.
۱۱	قرمز روشن، پوشش کرم، پوشش کرم، مواد معدنی، چرخ‌ساز، ظریف، مناسب، نقش قهوه‌ای.	Carter, 1980, fig. 15: 2, Henrickson, 1987 _b , fig. 7: 5-6.
۱۲	نخودی قهوه‌ای، پوشش نخودی تیره، پوشش نخودی، مواد معدنی، چرخ‌ساز، ظریف، مناسب، نقش قرمز قهوه‌ای.	Henrickson, 1987 _b , fig. 7: 7.
۱۳	قهوه‌ای روشن، پوشش نخودی تیره، پوشش نخودی، مواد معدنی، چرخ‌ساز، ظریف، مناسب، نقش قرمز تیره.	Henrickson, 1987 _b , fig. 10: 9.
۱۴	قهوه‌ای روشن، پوشش نخودی قهوه‌ای، پوشش نخودی قهوه‌ای، مواد معدنی، دست‌ساز، ظریف، مناسب، نوارهای برجسته.	Carter, 1980, fig. 16:1-2, Henrickson, 1987 _b , fig. 8: 4, Schmidt et al. 1989, Vol. 2, pl. 84: c.
۱۵	قهوه‌ای روشن، قهوه‌ای روشن، پوشش نخودی قهوه‌ای، مواد معدنی، دست‌ساز، ظریف، مناسب، نوارهای برجسته.	Henrickson, 1987 _b , fig. 8: 4, Schmidt et al. 1989, Vol. 2, pl. 84: c.
۱۶	قهوه‌ای روشن، پوشش کرم، پوشش کرم، مواد معدنی، چرخ‌ساز، ظریف، مناسب، نقش قرمز تیره.	Carter, 1980, fig. 15: 2, Schmidt et al. 1989, Vol. 2, pl. 81: b.
۱۷	قرمز، پوشش قرمز روشن، پوشش کرم، مواد معدنی، چرخ‌ساز، ظریف، مناسب، نقش قهوه‌ای قرمز و باند برجسته.	Carter, 1980, fig. 15: 6, Schmidt et al. 1989, Vol. 2, pl. 81: b.
۱۸	نخودی تیره، پوشش نخودی، پوشش نخودی، مواد معدنی، دست‌ساز، ظریف، ناقص، نقش به دو رنگ قرمز و قهوه‌ای تیره.	Emberling et al. 2002, fig. 10: a & d; fig. 26: f, Schmidt et al. 1989, Vol. 2, pl. 89, Haerincq, 2011, pl. 5: 2 & 5.
۱۹	قهوه‌ای تیره، پوشش نخودی، پوشش نخودی، مواد معدنی، دست‌ساز، ظریف، ناقص، نقش قرمز تیره.	Carter, 1980, fig. 15:12.
۲۰	قرمز روشن، قرمز، پوشش کرم، مواد معدنی، چرخ‌ساز، ظریف، مناسب، نقش قرمز تیره و نوارهای برجسته.	Carter, 1986, fig. 3: c, Henrickson, 1987 _b , fig. 8:1-3 & 5, Schmidt et al. 1989, Vol. 2, pl. 85: b.
۲۱	قهوه‌ای تیره، پوشش نخودی قهوه‌ای، پوشش نخودی قهوه‌ای، مواد معدنی، دست‌ساز، ظریف، ناقص، نقش قرمز و نوارهای برجسته.	Carter, 1980, fig. 16:1, Schmidt et al. 1989, Vol. 2, pl. 84: c.



▲ تصویر ۲: سفال‌های تپه قبرستان دره‌شهر (نگارنده، ۱۳۹۳).



▲ تصویر ۳: سفال‌های تپه قبرستان دره‌شهر (نگارنده، ۱۳۹۳).

به‌عنوان مثال، بعضی دارای نوار برجسته روی زاویه بدنه بوده، بعضی نیز که بدنه آن‌ها زاویه ندارد، روی بدنه نوار کنده یا برجسته دارند؛ اما آن‌چه اهمیت بیشتری دارد، تزئینات منقوش قرمز رنگ روی جداره بیرونی آن‌ها است که تا پیرامون نوارهای برجسته یا کنده ادامه یافته است و در نهایت با یک نوار افقی خاتمه می‌یابد. بر روی سه مورد از این کاسه‌ها (طرح ۱: ۱-۳)، طرح تزئینی تقریباً مشابهی به کار رفته است. در این طرح، سه قوس زیبا، نقش‌مایه اصلی را تشکیل می‌دهد که از لبه ظرف آویزان شده و دور تا دور ظرف را در بر می‌گیرند. این قوس‌های سه‌گانه، با نقش‌مایه‌های متنوع دیگری از قبیل نقش‌مایه دندان کوسه‌ای، مثلث‌های توپر در کنار هم، ترکیب نقوش عمودی مستقیم و موج‌دار یا نقوش نواری افقی مستقیم،

شماره طرح	توصیف: (رنگ خمیره، رنگ درونی، رنگ بیرونی، شاموت، ساخت، کیفیت ساخت، پخت، ترین)	نمونه قابل مقایسه
۲۲	قرمز روشن، پوشش نخودی سرخ، پوشش نخودی تیره، مواد معدنی، دست-ساز، ظریف، مناسب، نوارهای برجسته.	Emberling et al. 2002, fig. 10: a, fig. 20, fig. 21: a, fig. 25, Haerinck & Overlaet, 2013, pl. 11 & 17, Haerinck, 2011, pl. 5: 8 & pl. 17: 2.
۲۳	قهوای روشن، پوشش نخودی تیره، پوشش کرم تیره، مواد معدنی، دست-ساز، ظریف، مناسب، نقش برجسته قبه‌ای شکل.	Carter, 1980, fig. 14:13-14; & fig. 26: 7, Steve & Gasche, 1971, pl. 20:1-3.
۲۴	قهوای روشن، پوشش نخودی تیره، پوشش نخودی تیره، مواد معدنی، دست-ساز، ظریف، مناسب، نوارهای برجسته.	Emberling et al. 2002, fig. 21: a.
۲۵	قرمز روشن، پوشش نخودی تیره، پوشش نخودی روشن، مواد معدنی، دست-ساز، ظریف، مناسب، نوار برجسته.	Carter, 1980, fig. 14:17-18, Emberling et al. 2002, fig. 14: a.
۲۶	قهوای روشن، پوشش نخودی نارنجی، پوشش نخودی، مواد معدنی، چرخ-ساز، ظریف، مناسب، نقش قهوه‌ای و نوار برجسته.	
۲۷	قهوای، پوشش نخودی قهوه‌ای، پوشش نخودی، مواد معدنی، چرخ-ساز، ظریف، مناسب، نقش قرمز تیره و نوار برجسته.	Emberling et al. 2002, fig. 8: b, Le Breton, 1957, fig. 13: 7, Wright, 1981, fig. 57: d.
۲۸	نخودی، پوشش نخودی، پوشش نخودی، مواد معدنی، دست-ساز، ظریف، مناسب، نقش به دورنگ قرمز و قهوه‌ای تیره.	Henrickson, 1987 _b , fig. 7: 8-9 and fig. 8:3.
۲۹	نخودی سرخ، پوشش کرم، پوشش کرم، مواد معدنی، چرخ-ساز، ظریف، مناسب، نقش قرمز.	Carter, 1980, fig. 15:12, Henrickson, 1987 _b , fig. 5:11, Sumner, 1985, fig. 3: j & m.
۳۰	نخودی سبز، پوشش نخودی سبز، پوشش نخودی سبز، مواد معدنی، چرخ-ساز، ظریف، مناسب، نقش سبز زیتونی.	Henrickson, 1987 _b , fig. 4: 8.
۳۱	نخودی، پوشش نخودی، پوشش نخودی، مواد معدنی، چرخ-ساز، ظریف، مناسب، نقش قهوه‌ای.	
۳۲	نخودی، پوشش نخودی، پوشش نخودی، مواد معدنی، چرخ-ساز، ظریف، مناسب، نقش قهوه‌ای سبز.	Carter, 1980, fig. 12: 1-2, fig. 15: 7-10, Vallat, 1971, fig. 61: 17.
۳۳	قرمز روشن، پوشش نخودی تیره، پوشش نخودی تیره، مواد معدنی و گیاهی، دست-ساز، ظریف، مناسب، دسته قبه‌ای شکل.	Carter, 1980, fig. 26: 7, Vallat, 1971, fig. 61: 17-18.
۳۴	نخودی، پوشش نخودی، پوشش نخودی، مواد معدنی، چرخ-ساز، ظریف، مناسب، نقش قهوه‌ای.	Henrickson, 1987 _b , fig. 11: 17, Schmidt et al. 1989, Vol. 2, pl. 79: d, 80: a & 81: f.
۳۵	قرمز، پوشش کرم، پوشش کرم، مواد معدنی، چرخ-ساز، ظریف، مناسب.	Schmidt et al. 1989, Vol. 2, pl. 79: d.
۳۶	قهوای، قرمز، پوشش نخودی، مواد معدنی، چرخ-ساز، ظریف، مناسب.	Schmidt et al. 1989, Vol. 2, pl. 85: d, Haerinck, 2011, pl. 12: 2.
۳۷	قرمز روشن، پوشش نخودی قهوه‌ای، پوشش نخودی صورتی، مواد معدنی و گیاهی، چرخ-ساز، معمولی، مناسب، نقش فشار انگشتی روی پایه.	Carter, 1980, fig. 27: 3 & 5, Henrickson, 1987 _b , fig. 9: 2.
۳۸	قهوای نخودی، پوشش نخودی روشن، پوشش نخودی، مواد معدنی، چرخ-ساز، ظریف، مناسب، نقش قرمز.	Henrickson, 1987 _b , fig. 8: 4.
۳۹	قرمز روشن، قرمز روشن، پوشش کرم، مواد معدنی، دست-ساز، معمولی، ناقص، نقش قرمز تیره و باند برجسته.	Haerinck & Overlaet, 2006, fig. 10: A 13-1, Le Breton, 1957, fig. 35: 4.
۴۰	قهوای نخودی، قهوه‌ای نخودی، پوشش نخودی، مواد معدنی، دست-ساز، معمولی، ناقص، نقش قهوه‌ای و باندهای برجسته.	Carter, 1986, fig. 2: c, Steve & Gasche, 1971, pl. 16:1.
۴۱	قهوای روشن، پوشش نخودی تیره، پوشش کرم، مواد معدنی، دست-ساز، ظریف، مناسب، نقش سیاه و باند برجسته.	
۴۲	قرمز، پوشش کرم تیره، پوشش کرم، مواد معدنی، چرخ-ساز، ظریف، مناسب، نقش قهوه‌ای و باند برجسته.	Emberling et al. 2002, fig. 8: b.



▲ تصویر ۴: سفال‌های تپه قبرستان دره‌شهر (نگارنده، ۱۳۹۳).



▲ تصویر ۵: سفال‌های تپه قبرستان دره‌شهر (نگارنده، ۱۳۹۳).

ترکیب شده‌اند. از ترکیب دقیق و منظم این نقش‌مایه‌ها است که طرح تزئینی زیبایی شکل گرفته است. طرح تزئینی نمونه چهارم (طرح ۱: ۴)، با سه مورد قبلی متفاوت است و به علت این که قسمت کوچکی از ظرف به دست آمده، طرح کلی جزئیات تزئینی روی آن معلوم نیست. قسمت‌های زیادی از تزئینات منقوش روی سفال‌ها، محو شده و در بسیاری از موارد، به سختی می‌توان آثار تزئینات نقاشی شده را تشخیص داد. برخی موارد نیز رنگ نقوش ریخته شده است. از نظر نوع رنگ، تزئینات منقوش یک‌رنگ به کار رفته روی سفال‌ها را می‌توان به دو گروه عمده تقسیم نمود؛ نقوش در طیفی از رنگ قرمز که در اکثریت‌اند و نقوش در طیفی از رنگ قهوه‌ای. سه مورد از قطعه سفال‌ها نیز تزئینات به رنگ سبز زیتونی دارند و فقط یک مورد از سفال‌ها تزئینات به رنگ سیاه دارد؛ علاوه بر تزئینات منقوش یک‌رنگ، دو قطعه از سفال‌ها تزئینات منقوش دو رنگ دارند که در ترسیم نقوش از

شماره طرح	توصیف: (رنگ خمیره، رنگ درونی، رنگ بیرونی، شاموت، ساخت، کیفیت ساخت، پخت، تزیین)	نمونه قابل مقایسه
۴۳	نخودی، نخودی، پوشش نخودی، مواد معدنی، چرخ‌ساز، ظریف، مناسب، نقش قهوه‌ای تیره.	Henrickson, 1987 _b , fig. 4: 7, 9 & 17, Schmidt et al. 1989, Vol. 2, Pl. 86: b.
۴۴	نخودی سبز، پوشش نخودی سبز، پوشش نخودی سبز، مواد معدنی، چرخ‌ساز، ظریف، مناسب، نقش قهوه‌ای سبز.	_____
۴۵	نخودی، پوشش نخودی روشن، پوشش نخودی سبز، مواد معدنی و گیاهی، چرخ‌ساز، ظریف، مناسب، نقش قهوه‌ای تیره.	Schmidt et al. 1989, vol. 2, pl. 85: b & 86: b.
۴۶	قهوه‌ای روشن، پوشش نخودی، پوشش کرم، مواد معدنی، دست‌ساز، ظریف، مناسب، نقش قهوه‌ای و باند برجسته.	_____
۴۷	خاکستری، پوشش نخودی، پوشش نخودی، مواد معدنی، دست‌ساز، معمولی، مناسب، نقش قهوه‌ای سبز و باند برجسته.	Henrickson, 1987 _b , fig. 9:1-2 & fig. 15:12.
۴۸	قهوه‌ای نخودی، پوشش کرم، پوشش کرم مواد معدنی، چرخ‌ساز، ظریف، مناسب، نقش قرمز و باند برجسته.	Schmidt et al. 1989, Vol. 2, pl. 85: b & 86: b.
۴۹	قهوه‌ای روشن، پوشش قهوه‌ای روشن، پوشش کرم، مواد معدنی، چرخ‌ساز، ظریف، مناسب، نقش قرمز قهوه‌ای و باند برجسته.	Emberling, 1995, fig. B 17, Henrickson, 1987 _b , fig. 5:14 & fig. 6: 6, Schmidt et al. 1989, Vol. 2, pl. 79: g & 85: b.
۵۰	نخودی صورتی، پوشش نخودی روشن، پوشش نخودی روشن، مواد معدنی، چرخ‌ساز، ظریف، مناسب، نقش قهوه‌ای.	_____
۵۱	نخودی قهوه‌ای، پوشش نخودی تیره، پوشش کرم، مواد معدنی، دست‌ساز، معمولی، مناسب، نقش قرمز روشن.	_____
۵۲	نخودی سبز، پوشش نخودی سبز، پوشش نخودی سبز، مواد معدنی، دست‌ساز، ظریف، مناسب، نقش سبز زیتونی.	_____
۵۳	نخودی نخودی، پوشش کرم روشن، مواد معدنی، دست‌ساز، ظریف، مناسب، نقش قرمز.	Carter, 1980, fig. 29:1, Haerinck & Overlaet, 2002, fig. 7: 3, Henrickson, 1987 _b , fig. 4:1-2.
۵۴	نخودی سبز، پوشش نخودی سبز، پوشش نخودی سبز، مواد معدنی، چرخ‌ساز، ظریف، مناسب، نقش سبز زیتونی.	Henrickson, 1987 _b , fig. 4: 3.
۵۵	نخودی قهوه‌ای، پوشش نخودی روشن، پوشش نخودی روشن، مواد معدنی، دست‌ساز، ظریف، مناسب، نقش قهوه‌ای و باند برجسته.	_____
۵۶	نخودی سبز، پوشش نخودی سبز، پوشش نخودی سبز، مواد معدنی، دست‌ساز، ظریف، مناسب، نقش قرمز تیره.	_____
۵۷	نخودی قهوه‌ای، پوشش کرم، پوشش کرم، مواد معدنی، چرخ‌ساز، ظریف، مناسب، نقش قرمز تیره و نوار کنده.	Henrickson, 1987 _b , fig. 4: 9.
۵۸	قهوه‌ای سیاه، پوشش کرم، پوشش کرم، مواد معدنی، چرخ‌ساز، ظریف، ناقص، نقش قرمز قهوه‌ای.	_____
۵۹	نخودی، قهوه‌ای روشن، پوشش قرمز، مواد معدنی، دست‌ساز، ظریف، مناسب.	_____
۶۰	قهوه‌ای روشن، پوشش کرم، پوشش کرم، مواد معدنی، چرخ‌ساز، ظریف، مناسب، نقش قهوه‌ای.	_____
۶۱	قهوه‌ای روشن، پوشش نخودی، پوشش نخودی، مواد معدنی، چرخ‌ساز، ظریف، مناسب، نقش قهوه‌ای تیره و باند برجسته.	_____
۶۲	قرمز، پوشش نخودی قهوه‌ای، پوشش کرم، مواد معدنی، دست‌ساز، ظریف، مناسب، نقش قهوه‌ای و باند برجسته.	Schmidt et al. 1989, Vol. 2, pl. 91: b-c.

رنگ‌های قرمز و قهوه‌ای تیره استفاده شده است. طرح تزیینی هر دو قطعه یکی است؛ این طرح از نوارهای افقی مستقیم و ردیف مثلث‌های متقابل هم تشکیل شده و در چهار ردیف افقی تکرار شده است؛ به طوری که شامل سه نوار افقی مستقیم، به علاوه یک ردیف افقی از مثلث‌های متقابل هم می‌شود (طرح ۱: ۱۸ و ۲۸). مثلث‌های متقابل هم، به رنگ قهوه‌ای‌اند، اما نقوش نواری افقی، مستقیم را با استفاده از دو رنگ قرمز و قهوه‌ای ایجاد نموده‌اند. این سه ردیف نقوش نواری افقی شامل دو نوار باریک قهوه‌ای رنگ می‌شود که یک نوار پهن قرمز رنگ را در میان گرفته‌اند. طرح مذکور که در چهار ردیف ترسیم شده، چندین بار روی بدنه ظرف تکرار شده است. روی بدنه و گردن ظرف نیز نوارهای افقی مستقیم به رنگ‌های قهوه‌ای و قرمز دیده می‌شود.

بر روی سفال‌های مورد مطالعه تزیینات حجمی متعدد و متنوعی به کار رفته است که می‌توان آن‌ها را به پنج گروه عمده تقسیم نمود: ۱- باندها و نوارهای

برجسته یا افزوده ساده روی زاویه بدنه، شانه و بدنه سفال‌ها (طرح ۱: ۱-۲، ۴، ۱۷، ۲۰، ۲۵، ۳۹-۴۲، ۴۶، ۴۸، ۴۹، ۵۵، ۶۱ و ۶۲). ۲- نوارهای برجسته متوالی روی شانه و بدنه (طرح ۱: ۱۴-۱۵ و ۲۱). ۳- ترکیب نوارهای باریک افزوده (Strips) به شکل افقی، عمودی و مورب (طرح ۱: ۲۱، ۲۲ و ۲۴). این نوع تزئین، یکی از تزئینات حجمی مهمی است که بر روی سفال‌های دوران مفرغ غرب و جنوب غرب ایران دیده می‌شود. بر روی یکی از سفال‌ها (طرح ۱: ۲۲) در پیرامون گردن سبوی، یک نوار باریک به صورت افقی افزوده شده است که در زیر آن سه نوار (وسطی به شکل عمودی و نوارهای دو طرف آن به شکل مورب) آویزان است. ۴- قرصک‌های تزئینی گرد روی بدنه (طرح ۱: ۲۳ و ۳۳). ۵- دسته‌های دماغی سوراخ دار فشرده روی شانه (طرح ۱: ۲۵-۲۷). یک قطعه از سفال‌ها نیز نوار برجسته طنابی شکل دارد (طرح ۱: ۴۷). در میان نمونه‌ها، سفال‌های با کف‌های حلقوی مزین به نقوش فشار انگشتی نیز دیده می‌شود (طرح ۱: ۳۷). تزئینات کنده به ندرت دیده می‌شود و فقط دو مورد از نمونه‌ها دارای شیارهای کنده به شکل نوار افقی مستقیم روی بدنه هستند (طرح ۱: ۳ و ۵۷).

در میان سفال‌ها، ظروف متنوعی وجود دارد که می‌توان آن‌ها را به دو گروه ظروف دهانه باز و ظروف دهانه تنگ تقسیم نمود. ظروف دهانه باز، شامل کاسه‌ها و لیوان‌ها می‌شود و مهم‌ترین شکل‌ها عبارت‌اند از: کاسه‌های عمیق با بدنه قیف مانند (Flaring Bowls) که بعضاً بدنه‌ای زاویه‌دار دارند. جزئیات شکل بدنه این کاسه‌ها تا حدودی متنوع است (طرح ۱: ۱-۴ و ۳۴)، کاسه با لبه باریک شده و بدنه تقریباً نیم‌دایره‌ای (طرح ۱: ۱۰)، کاسه با لبه مستقیم و به بیرون برگشته و دارای بدنه گرد (طرح ۱: ۳۲) و لیوان‌های دارای لبه باریک یا تا حدودی ضخیم و دارای بدنه استوانه‌ای مقعر یا تا حدودی مقعر (طرح ۱: ۱۱-۱۳ و ۱۶). ظروف دهانه تنگ عبارت‌اند از: سبوی بدون گردن و دارای لبه نواری (طرح ۱: ۵)، سبوی بدون گردن، دارای لبه باریک شده عمودی (طرح ۱: ۶ و ۱۴)، سبوی دارای گردن که لبه‌ای مستقیم و به بیرون برگشته دارد (طرح ۱: ۷ و ۸)، سبوی دارای گردن و لبه به شکل پخ در آمده (طرح ۱: ۹ و ۱۸)، دیگ با لبه باریک شده متمایل به بیرون و بدنه زاویه‌دار (طرح ۱: ۱۹)، دیگ / کاسه با لبه مستقیم به بیرون برگشته و بدنه زاویه‌دار (طرح ۱: ۲۹) و دیگ / کاسه با لبه مستقیم به بیرون برگشته و دارای بدنه گرد (طرح ۱: ۳۳).

گاهنگاری مقایسه‌ای

مهم‌ترین معیار مورد استناد جهت انجام گاهنگاری‌های داخلی دوران مفرغ منطقه، شیوه تزئین و شکل سفالینه‌های این دوره است. به‌طور مثال، در ارتباط با مطالعات هیأت «هلمز» در لرستان، با وجود این‌که به رنگ سطح، خمیره و نقوش سفال‌ها نیز توجه شده است، با این حال شکل و الگوهای تزئین ظروف است که به‌عنوان معیارهای اصلی جهت شناسایی سفال‌های مراحل مختلف (قدیم، میانی و جدید) دوران مفرغ منطقه، مورد استناد قرار گرفته است (Schmidt et al. 1989, Vol. 1: 133 & 134). در دشت شوشان نیز مهم‌ترین معیار تشخیص مراحل مختلف شیماشکی، سوکالماخ، عیلام میانه I و عیلام میانه II-III شکل سفالینه‌ها است. در کنار این

معیار، به مشخصه‌های دیگری مانند تزئینات برجسته یا کنده روی سفال نیز توجه شده است (Carter, 1991: 294-295). در ارتباط با سنت سفال گودین III نیز شکل ظروف و نقش مایه‌های روی سفال‌ها به‌عنوان معیار اصلی تاریخ‌گذاری به‌کار رفته است (Henrickson, 1987 b: 40). مطالعه شکل سفال‌ها و تزئینات روی آن‌ها حاکی از این است که تپه قبرستان دره‌شهر در دوره‌ی مفرغ قدیم و در نیمه اول هزاره سوم ق.م. شکل گرفته است. سفال‌های این محل بیش‌ترین تشابهات را با یافته‌های دوره‌ی مفرغ قدیم غار کنجی، گورستان‌های میرولی و دول‌پهن، گورستان‌های منطقه آبدانان و یافته‌های متعلق به نیمه دوم دوره شوش III که از شهر شاهی و آکروپل کاوش شده، دارد.

استفاده از ترکیب باریکه‌های نواری افزوده به شکل‌های افقی، عمودی و مورب (طرح ۱: ۲۲ و ۲۴)، یکی از تزئینات مهمی است که بر روی سفال‌های دوران مفرغ غرب و جنوب‌غرب ایران استفاده شده است. تزئینات مشابه نمونه‌های تپه قبرستان دره‌شهر، از میان نهشت‌های دوره‌ی مفرغ قدیم غار کنجی کاوش شده است (Em-berling et al. 2002, fig. 10: a, 20, 21: a, & 30: a)؛ همچنین دسته‌های دماغی سوراخ‌دار فشرده روی شانه، مشابه نمونه‌های تپه قبرستان دره‌شهر (طرح ۱: ۲۵-۲۷)، به فراوانی در میان یافته‌های غار کنجی دیده می‌شود (Ibid, fig. 8: b & 14: a). ابتدا قبور غار کنجی به دوره‌های جم‌دت نصر- سلسله‌های قدیم تاریخ‌گذاری شدند (Speth, 1971: 173)؛ سپس یافته‌های مذکور را به دوره‌ی سلسله‌های قدیم II (۲۶۰۰-۲۷۰۰ ق.م.) تاریخ‌گذاری نمودند (Emberling et al. 2002: 49, 50 & 54). این در حالی است که «هرینک» قدمت نهشت‌های مذکور را ۲۸۰۰/۲۹۰۰-۳۰۰۰ ق.م. می‌داند (Haerinck, 2011: 69). سفال‌های با ترکیب باریکه‌های نواری افزوده در بررسی‌های گورستان دول‌پهن نیز دیده شده است. این محل نیز یک گورستان مرتبط با استقرارهای کوچ‌نشینی است که در فاصله‌ی حدوداً ۲۵ کیلومتری شرق تپه قبرستان دره‌شهر واقع است و به ۲۳۵۰-۲۷۵۰ ق.م. تاریخ‌گذاری شده است (مظاهری، ۱۳۸۹: ۵ و شکل ۱: ۷). سفال‌های با این نوع تزئینات در گورستان گیلوران نیز یافت شده است. قدمت یافته‌های گیلوران ۲۴۰۰-۲۷۰۰ ق.م. است (Haerinck & Overlaet, 2013: 53, & pl. 11 & 17)؛ همچنین این نوع تزئینات بر روی سفال‌های مکشوف از جارعلی و قبرناهی نیز مشاهده می‌شود. قبر جارعلی به ۲۸۰۰-۲۹۰۰/۳۰۰۰ ق.م. و گورستان‌های ناحیه آبدانان به نیمه اول هزاره سوم ق.م. گاهنگاری شده‌اند (Haerinck, 2011: 62-63 & 68 & pl. 5: 8 & 17: 2).

کاسه‌های عمیق قیفی شکل، هم از نظر شکل بدنه و هم از نظر تزئینات، نزدیک‌ترین و بیش‌ترین تشابهات را با نمونه‌های مکشوف از گورستان میرولی دارند. طرح تزئینی قوس‌های سه‌گانه آویزان در زیر لبه به همراه ترکیب نقش مایه‌های دیگر، بر روی سه نمونه از کاسه‌های عمیق قیفی شکل میرولی نیز دیده می‌شود (Schmidt et al. 1989, Vol. 2, pl. 79: d, e, g, h & pl. 81: b, e & f). از نمونه سبوهای دارای نوارهای برجسته متوالی روی شانه و بدنه (طرح ۱: ۱۴-۱۵ و ۲۱)، یک مورد نیز در میرولی به‌دست آمده است (Ibid, Vol. 2, pl. 84: c)؛ همچنین نمونه مشابه سفال‌های با تزئینات منقوش دو رنگ تپه قبرستان دره‌شهر (طرح ۱: ۱۸ و ۲۸)؛ در میان سفال‌های مکشوف از میرولی دیده می‌شود (Ibid, pl. 89). یافته‌های

مکشوف از قبور V-II میرولی، بیش از همه با نمونه‌های شوش DA-B (شوش IIIB) قابل مقایسه بوده و به ۲۶۰۰-۲۷۵۰ ق.م. تاریخ‌گذاری شده است. در میان سفال‌های این دوره‌ی میرولی، چندین نمونه قابل مقایسه با سفال‌های مرحله III6 گودین، دیده می‌شود که به حدود ۲۳۵۰-۲۶۰۰ ق.م. تاریخ‌گذاری شده‌اند (Ibid, vol.1: 485). قبرستان میرولی در فاصله حدوداً ۳۰ کیلومتری شمال تپه قبرستان دره‌شهر واقع است (اطلاعات شخصی).

طرح تزئینی روی کاسه‌های عمیق قیفی شکل (طرح ۱: ۱-۳) تپه قبرستان دره‌شهر، روی جداره بیرونی یک ظرف مکشوف از گورستان تَورسا در منطقه آبدانان نیز دیده می‌شود. بر روی نمونه مکشوف از تَورسا نیز، نقش مایه اصلی، از سه قوس آویزان در زیر لبه تشکیل شده است. این قوس‌های سه‌گانه که دور تا دور ظرف را در بر می‌گیرد، با نقش مایه‌های دیگری مانند ترکیب نوارهای عمودی مستقیم و موجی‌شکل و نوارهای افقی مستقیم و موجی‌شکل درآمیخته است (Haer- 5: 7, fig. 7: 5). دو نمونه از این‌گونه کاسه‌ها در میان یافته‌های گورستان دول‌پهن نیز دیده می‌شود که یکی بدون تزیین و دیگری تزیینات منقوش نواری ساده‌ای دارد (مظاهری، ۱۳۸۹، شکل ۱: ۱ و ۶).

مجموعه سفال‌های تپه قبرستان دره‌شهر نزدیک‌ترین و بیش‌ترین تشابهات را با سفال‌های دوره شوش III، به‌ویژه سفال‌های مکشوف از لایه‌های ۱۵-۱۳ شهر شاهی I (یا همان شوش IIIc) دارد. در میان سفال‌های مکشوف از لایه‌های ۱۵-۱۳ شهر شاهی، یک نوع لیوان با بدنه زاویه‌دار وجود دارد که از نظر شکل بدنه، شباهت زیادی به کاسه‌های عمیق قیفی شکل با بدنه زاویه‌دار دارد (طرح ۱: ۱ و ۲)؛ اما اندازه ظرف مکشوف از شهر شاهی I کوچک‌تر است (Carter, 1980, fig. 15: 6). از این نوع شکل در کاوش‌های تپه آکروپل و از لایه‌های هم‌زمان با دوره آغاز سلسله‌ها (۲۳۴۰-۲۴۳۰ ق.م.) نیز به‌دست آمده است (Steve & Gasche, 1971, pl. 16: 5). سبوهای با لبه نواری و مشابه نمونه تپه قبرستان دره‌شهر (طرح ۱: ۵)؛ در مرحله IIIc شهر شاهی I نیز داریم که در مرحله IVA نیز تولید آن‌ها ادامه می‌یابد (Carter, 1980, fig 13: 3, 16: 4, 27: 1, & 29: 18)؛ اما در مرحله III6 گودین سبوهای با این نوع لبه را نداریم. سبوهای بدون گردن و دارای لبه باریک شده عمودی (طرح ۱: ۶ و ۱۴)، قابل مقایسه با نمونه‌های مکشوف از لایه‌های ۱۶-۱۴ آکروپل است (لوبرن، ۱۳۷۶، شکل ۳۶: ۶ و ۷ و Vallat, 1971, fig. 62). لیوان‌های دارای لبه باریک یا تا حدودی مقعر یا تا حدودی مقعر (طرح ۱: ۱۱-۱۳ و ۱۶)؛ نمونه‌های مشابهی هم از نظر شکل بدنه و هم از لحاظ تزیینات منقوش نواری، در میان سفال‌های مرحله IIIc شهر شاهی I دارند (Carter, 1980, fig. 15: 1-4). سبوی با نوارهای برجسته متوالی روی شانه و بدنه (طرح ۱: ۱۴-۱۵ و ۲۱)، یکی از ظروف شاخص مرحله IIIc شهر شاهی I است (Ibid: 20 & fig. 16: 1-2). سه ظرف شاخص در میان سفال‌های مکشوف از لایه‌های مرحله IIIc شهر شاهی I عبارت‌اند از: یک نوع لیوان ساده با باند منقوش روی لبه، یک نوع کاسه عمیق زاویه‌دار با باند منقوش روی لبه و زاویه و سبوهای دارای گردن کوتاه و نوارهای برجسته متوالی روی شانه؛ این سه گونه که نمونه‌های مشابهی در میان سفال‌های تپه قبرستان دره‌شهر دارند (طرح ۱: ۱۱-۱۶،

۱۹، ۲۱ و ۲۹)، فقط از لایه‌های ۱۵-۱۳ شهر شاهی I یافت شده‌اند (Ibid: 20-21, & fig. 15: 3-7 & 12, & fig. 16: 1-2).

از جمله تزئینات حجمی مهمی که در میان مجموعه مورد مطالعه دیده می‌شود، قرصک‌های تزئینی گرد روی بدنه (طرح ۱: ۲۳ و ۳۳) و دسته‌های دماغی سوراخ‌دار فشرده روی شانه (طرح ۱: ۲۵-۲۷) است. نمونه قرصک‌های تزئینی گرد روی بدنه، هم در مرحله IIIB و هم در مرحله IVA شهر شاهی I وجود دارد (Ibid, fig. 14: 13-7 & 26: 14). نمونه‌های بیشتری از این نوع تزئین در کاوش لایه‌های هم‌زمان با دوره III سلسله‌های قدیم تپه آکروپل به دست آمده است (Steve & Gasche, 1971, pl. 20: 1-3). دسته‌های دماغی سوراخ‌دار فشرده روی شانه نیز در مرحله IIIb شهر شاهی I رایج است (Carter, 1980: 20 & fig. 14: 17-18). از نمونه کف‌های حلقوی مزین به نقوش فشار انگشتی (طرح ۱: ۳۷). هم در میان یافته‌های مرحله IVA شهر شاهی I (Ibid, fig. 27: 5) و هم در میان مجموعه سفال‌های مرحله III6 گودین (2: 9, Hnrickson, 1987b) دیده می‌شود.

گفتیم که بیش‌ترین تزئینات منقوش یک‌رنگ روی سفال‌های تپه قبرستان دره‌شهر را، نوارهای خطی در تعداد و ضخامت‌های مختلف تشکیل می‌دهد. در لایه‌های ۱۵-۱۳ شهر شاهی I، سفال‌های دارای تزئینات منقوش یک‌رنگ به صورت نوارهای افقی، به‌طور گسترده‌ای رواج می‌یابد. به‌همین علت است که لایه‌های ۱۵-۱۳ را به‌عنوان یک مرحله متمایز (مرحله IIIC) در توالی دوره III شوش معرفی نموده‌اند (Carter, 1979: 453). بیش‌ترین تزئینات منقوش مرحله III6 گودین را نیز نوارهای خطی یک‌رنگ تشکیل می‌دهد (Henrickson, 1987b: 45). دو معیار مهمی که براساس آن مرحله IIIC شهر شاهی I را از مرحله IIIB متمایز نموده‌اند، یکی ظهور سه‌گونه ظرف جدید در مرحله IIIC است (یک نوع لیوان ساده با باند منقوش روی لبه، کاسه عمیق زاویه‌دار با باند منقوش روی لبه و زاویه و سبوه‌های دارای گردن کوتاه و نوارهای برجسته متوالی روی شانه) و دیگری نوارهای منقوش یک‌رنگ هستند که بر روی سفال‌های مکشوف از لایه‌های ۱۵-۱۳ پدیدار می‌شود. سفال مکشوف از لایه‌های ۱۵-۱۳، در توالی سفال شهر شاهی I، نقش یک مرحله انتقالی را ایفاء می‌کند. نتایج کاوش‌های شهر شاهی و تپه آکروپل نشان می‌دهد که ظروف مزین به نقوش یک‌رنگ مرحله IVA، تداوم ظروف منقوش قدیمی‌تر و ساده‌تر دوره‌ی آغاز عیلامی (مرحله IIIC) است؛ اما بدین معنا نیست که حتماً در نتیجه پیشرفت این سبک پدیدار شده است (Carter, 1980: 20-21 & 26). ظاهراً ظروف مزین به نقوش نواری یک‌رنگ مکشوف از مرحله IIIC، یک مرحله قدیمی‌تر را در تزئین گونه سفالی ایفاء می‌کند که به‌تدریج توسعه یافته و ظروف منقوش یک‌رنگ سبک دوم را شکل می‌دهد که مشخصه دوره‌ی IVA است و همان‌گونه سفالی است که در مرحله III6 گودین پدیدار می‌شود (Ibid: 21).

بیش‌ترین تزئینات منقوش یک‌رنگ روی سفال‌های تپه قبرستان دره‌شهر را، نقوش قرمز رنگ تشکیل می‌دهد. تزئینات منقوش یک‌رنگ سفال‌های دوره‌ی III شهر شاهی I، نیز قرمز رنگ هستند (Ibid, 1979: 453)؛ هم‌چنین در لایه‌های ۱۲-۱۱ بیشتر از رنگ قرمز استفاده شده است. «کارت‌تر»، معتقد است که سفال‌های

مزین به تزئینات منقوش یک‌رنگ قرمز رنگ، مرتبط با ظروف قدیمی‌تر دارای پوشش گلی رقیق قرمز دوره‌ی شوش III هستند که فقط در لایه‌های ۱۲-۹ (مرحله IVA) دیده می‌شود (Ibid, 1980: 23). در دوره‌ی IV شهر شاهی I، ظروف با پوشش گلی قرمز رنگ که در لایه‌های ۱۸-۱۳ رایج بود، از رواج می‌افتد (Ibid, 1979: 453).

دوره‌ی III شوش را به سه مرحله تقسیم نموده‌اند؛ مرحله نخست و قدیمی‌تر، در شهر شاهی I به‌دست نیامده، اما به‌خوبی در لایه‌های ۱۶ تا A ۱۴ آکروپل نشان داده شده است (کارتز، ۱۳۷۶: ۷۶). لایه‌های ۱۸-۱۳ شهر شاهی I به دوره‌ی شوش III تعلق دارد که براساس مطالعات انجام‌شده و گونه‌شناسی سفال‌ها به دو مرحله IIIB (لایه‌های ۱۸-۱۶) و IIIC (لایه‌های ۱۵-۱۳) تقسیم شده است. مقایسات با طبقات B ۱۴-۱۳ آکروپل و مقایسات با سفال مکشوف از نیپور (Inanna XII-X, اسمر (کارگاه کاوش H 18: 14) و اوروک (سلسله‌های قدیم)؛ نشان‌دهنده گستره تاریخی ۲۷۰۰-۲۹۰۰ ق.م. برای طبقات ۱۸-۱۶ شهر شاهی I است (Carter, 1979: 453). براساس مدارکی که از میان‌رودان به‌دست آمده، تاریخ ۲۶۰۰ ق.م. را به‌عنوان تاریخ پایان دوره‌ی III شوش در نظر گرفته‌اند (Ibid, 1980: 21)؛ هر چند که کارتز، مرحله IIIC شهر شاهی I را به دوره‌ی سلسله‌های قدیم II (حدود ۲۶۰۰ ق.م. تا ۲۷۰۰ ق.م.) تاریخ‌گذاری نموده، با این حال به نظر می‌رسد قدمت لایه‌های این مرحله به دوره‌ی سلسله‌های قدیم I (حدود ۲۷۰۰-۲۸۵۰ ق.م.) می‌رسد (Haerinck, 2011: 77). اندازه کم حجم خاک‌برداری شده از بالای محوطه کاوش آکروپل و نیز لایه‌های ۱۵-۱۳ محوطه کاوش شهر شاهی I، به همراه وقفه‌های احتمالی در این توالی، موجب شده تا تاریخ پایان دوره‌ی III شوش مبهم باشد (Emberling, 1995: 13 & Carter, 1980: 78).

نقش‌مایه‌های روی کاسه‌های عمیق قیفی شکل، به‌ویژه طرح‌های ۱: ۳-۱، در مرحله III6 گودین در ترکیب‌های دیگری ظاهر می‌شوند که در اکثر موارد تزئین بخش کادر اصلی روی سفال‌های این مرحله هستند؛ به‌طور مثال، ترکیب نوارهای عمودی مستقیم و موج‌دار و یا مثلث‌های توپر در کنار هم (طرح ۱: ۱ و ۳) و نقش‌مایه دندان کوسه‌ای (طرح ۱: ۲ و ۳)، به فراوانی در مرحله III6 گودین دیده می‌شود (به‌طور مثال: 7: & 9, 16, 4; 13-14: 5; Henrickson, 1987b, fig. 5: 8-5). به نظر هنریکسون، نقش‌مایه ترکیب نوارهای عمودی مستقیم و موج‌دار یک ترکیب قدیمی است (Ibid, 1987a: 207)؛ همچنین به نظر می‌رسد که قوس‌های سه‌گانه آویزان در زیر لبه این کاسه‌ها، که بر روی برخی از نمونه‌های مکشوف از قبرستان میرولی و نیز یک نمونه مکشوف از قبرستان تَورسا نیز دیده می‌شود؛ همان ترکیبی است که هم‌زمان با مرحله III6 گودین، به شکل نقش‌مایه کمان‌های سه‌تایی، تزئین بخش شانه برخی از سبوها است. یک نمونه ابتدایی از این گونه نقش‌مایه‌ها در میان مجموعه سفال‌های تپه قبرستان دره‌شهر دیده می‌شود (طرح ۱: ۷). لیوان‌های با لبه باریک یا تا حدودی ضخیم و دارای بدنه استوانه‌ای مقعر یا تا حدودی مقعر، هم از نظر شکل بدنه و هم از نظر تزئینات منقوش، نمونه‌های مشابهی در میان یافته‌های مرحله III6 گودین دارند (Ibid, 1987b, fig. 7: 4-7 & 14)؛ نمونه‌های گودین III6 از تزئینات پیشرفته‌تری برخوردارند. سبوه‌های تخم‌مرغی

شکل با نوارهای برجسته در پیرامون گردن و شانۀ (طرح ۱: ۲۰ و ۴۰)، از نظر شکل بدنه قابل مقایسه با نمونه‌های مشابه مکشوف از مرحله DC-D / IVA شوش (Le Henrickson, 1987b, fig. 35:1, 4, 8, & 12), مرحله III6 گودین (Breton, 1957, fig. 35:1, 4, 8, & 12 Schmidt et al. 1989, Vol. 2, fig. 8:1-3 & 9:1-2), دوره‌ی مفرغ قدیم رومشگان (pl. 91: a, 86: d, 85: a & 84: e) و نمونه‌های با تزئینات منقوش دو رنگ مکشوف از نواحی آبدانان (Haerincx & Overlaet, 2002, fig. 7: 7) و دهلران (Emberling, 1995, fig. B2 & B17) هستند. از این نوع سبوها تعداد کمی در مرحله III6 گودین به دست آمده و برخی از آن‌ها احتمالاً وارداتی هستند (Henrickson, 1987a: 207). براساس مطالعات گونه‌شناسی و مقایسه‌ای، به نظر می‌رسد که سفال‌های تپه قبرستان دره‌شهر مراحل ابتدایی شکل‌گیری سنت سفال منقوش یک‌رنگ شوش IVA / گودین III را نشان می‌دهد. در حال حاضر به دلیل نبود گاه‌نگاری دقیق در منطقه، نمی‌توان تاریخ دقیقی برای یافته‌های مکشوف از قبور تپه قبرستان دره‌شهر بیان نمود؛ با این حال، می‌توان این یافته‌ها را به نیمه اول هزاره سوم ق.م. تاریخ‌گذاری نمود.

بحث

یافته‌های مکشوف از گورستان‌هایی مانند تپه قبرستان دره‌شهر، میرولی و دول‌پهن نشان می‌دهد که در دره‌های جنوبی پیشکوه، پیش از شکل‌گیری سنت سفال منقوش یک‌رنگ شوش IVA / گودین III، سنت سفال شوش III – IIIIB رایج بوده است. مطالعه شکل و نقش‌مایه‌های سفال‌های تپه قبرستان دره‌شهر حاکی از این است که نزدیک‌ترین و بیش‌ترین تشابهات را با سفال‌های آغاز عیلامی متعلق به نیمه دوم دوره‌ی شوش III دارند؛ با این حال، برخی شکل‌ها و نقش‌مایه‌ها در مناطق گسترده‌تری توزیع شده‌اند و یا بعضاً در شوش III یافت نشده و احتمال دارد به علت حجم کم محوطه کاوش باشد. در واقع گورستان‌هایی از این قبیل، در امتداد مسیرهای کوچ کوچ‌نشینان واقع‌اند. اشمیت، ضمن بررسی‌های دره‌ی سیمره و پیرامون آن چنین آورده: «بی‌تردید پروازهای ما در طول این رودخانه (سیمره)، از گلوگاه‌های بی‌مهابا در لرستان داخلی به دشت ایلام تا دوردستی چون شوش مشهور، نشان‌گر آن بود که دره‌ی سیمره گذرگاه اصلی فرهنگ‌های کوهستان‌ها و دشت جنوب‌غربی ایران بوده است» (اشمیت، ۱۳۷۶: ۱۱۷). ادموندز، در بررسی راه‌های ارتباطی شمالی-جنوبی که از میان منطقه می‌گذرد، مسیری را به نام «مسیر سیمره» معرفی می‌نماید؛ این مسیر از دزفول شروع شده و در نهایت به منطقه پشتکوه می‌رسد. از آن‌جا، از طریق یکی از معابر کبیرکوه به سمت دره‌ی سیمره و پس از گذر از عرض رودخانه سیمره، به سوی دره‌ی رومشگان در ناحیه پیشکوه طی طریق می‌شود (Edmonds, 1922: 336-337). امروزه نیز ایلات متعددی، مانند عشایر بیرانوند، زنگنه و زوله از میان دره سیمره و از طریق معابر کبیرکوه به سمت مراتع قشلاقی در آبدانان، دهلران و خوزستان کوچ می‌کنند (مظاهری و حقیقی، ۱۳۹۲: ۸۳)؛ از سوی دیگر، وجود ارتباطات نزدیک میان سفال‌های مکشوف از گورستان‌هایی از قبیل تپه قبرستان دره‌شهر، میرولی و دول‌پهن و سنت سفال منقوش یک‌رنگ شوش IVA / گودین III، انکارناپذیر است. لوین و یانگ، در بررسی‌های مجموعه‌های

باستان‌شناختی هزاره سوم ق.م. لرستان اشاره نموده‌اند که سفال گودین III6 در بیشتر دره‌های جنوبی و شرقی لرستان، در امتداد مسیرهای اصلی که این نواحی را به اراضی پست خوزستان متصل می‌کند، یافت می‌شود (Levine & Young, 1986: 50)؛ احتمالاً صاحبان این گورستان‌ها گله‌داران کوچ‌نشین مرتبط با سکونت‌گاه‌های دشت شوشان هستند (Emberling, 1995: 88). کاوشگران میرولی، معتقدند که شکاف زمانی موجود ما بین دوره‌ی مس‌سنگی جدید و دوره‌ی مفرغ قدیم منطقه، تنها از طریق قبور دالانی شکل II-V میرولی پر می‌گردد (Schmidt et al. 1989, Vol. 1, 31 & 485). گاف، در مورد ظهور فرهنگ گیان IV-III (گودین III) چنین آورده: «در حال حاضر پذیرفته شده که فرهنگ گیان IV-III در نیمه دوم هزاره سوم ق.م. تحت تأثیر سفال منقوش عیلامی سبک شوش D شکل گرفته، اما زمان واقعی انتقال، یعنی هنگامی که فرهنگ سلسله‌های قدیم شوش برای اولین بار به سمت کوهستان‌های شمال عیلام نفوذ نمود، خیلی کم شناخته شده است. سرنخ اصلی وضعیت پیش آمده در توزیع و تاریخ قبور دسته‌جمعی بزرگ (مانند میرولی، گیلوران و غیره) نهفته است» (Goff, 1971: 146). گاف، در ادامه تغییرات در وضعیت اقتصادی دشت شوشان و حملات و درگیری‌های بیگانگان را به‌عنوان دو محرک مناسب در حرکت ساکنان شوشان به سمت مناطق کوهستانی مجاور محسوب می‌نماید (Ibid: 149). کارتر، نیز می‌گوید: «در حال حاضر کنترل‌های گاهنگاری ما ناکافی است تا بیان کنیم که این دوره پیشرفت و شکوفایی در ناحیه پشتکوه (ظهور قبرستان‌های کلان‌سنگی فراوان)، نشان‌دهنده حرکت گروه‌های انسانی ساکن نواحی خارج از دره‌های کوه‌پایه‌ای در اوایل هزاره سوم ق.م.، به سمت نواحی کوهستانی است؛ اما این موضوع را می‌توان به‌عنوان یک احتمال در نظر گرفت» (Carter, 1986: 81). هرینگ، جایگزینی ناگهانی سنت سفال منقوش یک‌رنگ را به‌جای سنت سفال ماوراء قفقاز در گودین، حاکی از حرکت مردم از نواحی جنوبی لرستان به سمت شمال می‌داند (Haerinck, 2011: 78). قبور خانوادگی کلان‌سنگی مشابه نمونه‌های میرولی را به‌عنوان مدارکی در مورد ظهور عناصر تشکیل دهنده زندگی قبیله‌ای می‌دانند که احتمالاً بدون مسکن ثابت بوده‌اند. در این هنگام است که توسعه زندگی شهرنشینی در سطح پایینی فروکش می‌کند (Schmidt et al. 1989, Vol. 1: 486). براساس مطالعات باستان‌شناسی در نیمه اول هزاره سوم ق.م. با جابه‌جایی و تغییرات در جمعیت‌ها و حرکت گروه‌های انسانی مواجه‌ایم. شهر تاریخی انشان در دوره‌ی آغازعیلامی به حدود ۵۰ هکتار تخمین زده شده و به‌عنوان بزرگ‌ترین شهر شناخته شده آغازعیلامی تبدیل شده است. اندازه شوش هم‌زمان با انشان به کم‌تر از ۱۱ هکتار برآورد شده است. در این دوره شهرهای بزرگ‌تر از شوش در منطقه شوشان وجود نداشت. رشد سریع انشان با کاهش جمعیت منطقه شوشان مصادف است (Carter, 1998: 317).

نتیجه‌گیری

بررسی و مطالعه مجموعه‌های باستان‌شناختی نیمه اول هزاره سوم ق.م. زاگرس مرکزی گویای شکل‌گیری گورستان‌های مرتبط با زندگی کوچ‌نشینی متعددی، به‌ویژه در نواحی جنوبی این حوزه است که در مسیرهای کوچ کوچ‌نشینان واقع‌اند.

هر چند که یافته‌های سفالی مکشوف از گورستان‌های ناحیه پشتکوه حاکی از تنوع سنت‌های سفال‌گری است؛ با این حال، با مطالعه سفال‌های مکشوف از گورستان‌هایی مانند تپه قبرستان دره‌شهر، دول‌پهن و میرولی به نظر می‌رسد که در مناطق جنوبی پیشکوه، پیش از شکل‌گیری سنت سفال منقوش یک‌رنگ شوش IVA / گودین III، سنت سفال آغازعیلامی (مراحل IIIc - IIIB شوش) رایج بوده است؛ از سوی دیگر، یافته‌های به‌دست آمده از این گورستان‌ها ارتباطات بسیار نزدیکی را با سنت سفال منقوش یک‌رنگ نشان می‌دهد. یافته‌های تپه قبرستان دره‌شهر حاکی از این است که سنت سفال منقوش یک‌رنگ، پیش از این که هم‌زمان با شوش IVA / گودین III در سراسر زاگرس مرکزی گسترش یابد، در بعضی نواحی جنوبی این حوزه توسعه یافته بود. کاوش‌های هیأت بلژیکی به سرپرستی پرفسور لویی‌واندینبرگ، در نواحی پشتکوه نیز این موضوع را تأیید می‌کند (Haerinck & Overlaet, 2006: 26; Haerinck, 2011: 68-69). یافته‌های مکشوف از لایه‌های ۱۵-۱۳ شهر شاهی I حاکی از این است که احتمالاً محوطه شوش یکی از مراکزی است که نقش مهمی در فرایند شکل‌گیری سنت سفال منقوش یک‌رنگ شوش IVA / گودین III در اواخر دوره‌ی شوش III ایفاء نموده است، اما در حال حاضر به دلیل نبود گاهنگاری دقیق، نمی‌توان این موضوع را تأیید نمود. کاهش جمعیت دشت شوشان در دوره‌ی شوش III، ظهور گورستان‌های متعدد در نیمه اول هزاره سوم ق.م، وجود ارتباطات نزدیک و روشن ما بین مجموعه‌های سفالی مکشوف از گورستان‌هایی مانند تپه قبرستان دره‌شهر، دول‌پهن و میرولی با سفال‌های مکشوف از مراحل IIIb - IVa شوش و گسترش سریع سنت سفال منقوش شوش IVA / گودین III، حاکی از جابه‌جایی گروه‌های انسانی است که از دشت شوشان به سمت ارتفاعات زاگرس مهاجرت نموده‌اند.

سیاسگزاری

از دوست عزیز، دکتر سجاد علی‌بیگی برای راهنمایی‌های سودمندشان و بازخوانی این مقاله بسیار سپاسگزارم.

کتابنامه

- اشمیت، اریک، ۱۳۷۶، «پرواز بر فراز شهرهای باستانی ایران»، ترجمه: آرمان شیشه‌گر، تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور (پژوهشگاه).
- پرویز، احمد و پوریا خدیش، ۱۳۹۱، «گورهای اشرافی عصر مفرغ قدیم در گیلوران خرم‌آباد»، پژوهش‌های باستان‌شناسی مدرس، سال چهارم، شماره هشتم، تهران: دانشگاه تربیت مدرس، صص ۱۱۳ - ۹۳.
- کارتر، الیزابت، ۱۳۷۶، «شوش: شهر شاهی»، در شوش و جنوب‌غربی ایران، تاریخ و باستان‌شناسی، مجموعه مقالات گردهمایی بین‌المللی شوش و سمینار باستان‌شناسی بلو، ترجمه: هایده اقبال، تهران: مرکز نشر دانشگاهی و انجمن ایران‌شناسی فرانسه، صص ۷۱-۸۷.
- لوبرن، آلن، ۱۳۷۶، «شوش: کارگاه کاوش آکروپل I»، در شوش و جنوب‌غربی ایران، تاریخ و باستان‌شناسی، مجموعه مقالات گردهمایی بین‌المللی شوش و سمینار

- باستان‌شناسی بلو، ترجمه: هایده اقبال، تهران: مرکز نشر دانشگاهی و انجمن ایران‌شناسی فرانسه، صص ۴۹-۶۵.
- مظاهری، خداکرم، ۱۳۸۵، «گزارش فصل دوم بررسی و شناسایی باستان‌شناسی دره‌ی سیمره»، آرشیو جهاد دانشگاهی واحد استان ایلام (منتشر نشده).
- مظاهری، خداکرم، ۱۳۸۸، «تبیین گستره جغرافیایی فرهنگ عصر مفرغ (گودین III) در زاگرس مرکزی و سنجش عوامل مؤثر در نفوذ آن به دره‌ی سیمره در استان ایلام»، رساله دکتری باستان‌شناسی، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، به راهنمایی: دکتر حسن طلایی (منتشر نشده).
- مظاهری، خداکرم، ۱۳۸۹، «قبرستان دول‌پهن و سفال شوش IIIb - IVa»، مجله‌ی علمی پژوهشی پیام باستان‌شناس، سال هفتم، شماره چهاردهم، ابهر: دانشگاه آزاد اسلامی واحد ابهر، صص ۱-۱۳.
- مظاهری، خداکرم و رضا حقیقی، ۱۳۹۲، «زاگرس مرکزی و مسیرهای ارتباطی منطقه‌ای - محلی»، مجله‌ی فرهنگ ایلام، شماره ۳۸ و ۳۹، ایلام: اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان ایلام، صص ۷۰-۹۱.

- Carter, E. 1979. The Susa sequence 3000-2000 B. C. Susa, Ville Royale I, American Journal of Archaeology, 83: 451- 454.
- Carter, E. 1980. Excavation in Ville Royale at Susa: The third millennium B.C., Occupation, DAFI, 11:1-134.
- Carter, E. 1986. The piedmont and the Pusht -I Kuh in the early third millennium B.C., in: Huot, J.-L. (ed), Prehistoire de la Mesopotamie, Paris, 73-83.
- Carter, E. 1991. Ceramics VII- VIII, The early Bronze Age in south western and southern Persia, Encyclopaedia Iranica, Vol. 5, Fase. 3: 294-297, E. Yarshater (ed), Mazda publisher, Costa Mesa, NeYork.
- Carter, E. 1998. The Archaeology of Ilam, Encyclopaedia Iranica, Vol. 8, Fase. 3: 313- 325, E. Yarshater (ed), Mazda publisher, Costa Mesa, NeYork.
- Edmonds, C.J. 1922. Luristan: Pish- i Kuh and Bala Giriveh, Geographical Journal, LIX: 335- 356.
- Emberling, G. 1995. Ethnicity and the State in early third millennium Mesopotamia, Doctoral dissertation, Departments of Anthropology and Near Eastern studies, University of Michigan.
- Emberling, G. Rob, J. Speth, J. D. and Wright, H. T. 2002. Kunji Cave: early Bronze Age burials in Luristan, Iranica Antiqua, XXXVII: 47-105.
- Goff, C. L. 1971. Luristan before the Iron Age, Iran, IX: 131-152.
- Haerinck, E. 2011. Painted pottery of the first half of the early Bronze Age (Late 4th - First Centuries of the 3rd Millennium B.C.) in Luristan, W-Iran, Iranica Antiqua, XLVI: 55-88.
- Haerinck, E. and Overlaet, B. 2002. The chalcolithic and the early Bronze Age in Pusht-I Kuh, Luristan: chronology and Mesopotamian con-

tacts, *Akkadica*, 123: 163-181.

– Hearinck, E. and Overlaet, B. 2006. Bani Surmah, Luristan Excavation Documents, Vol. 6: BAMI, The Ghent University and the Royal Museums of Art and History, Brussels.

– Hearinck, E. and Overlaet, B. 2013. An early Bronze age tomb near Khorramabad (W-Iran), Herzfeld, Gilviran revisited, *Iranica Antiqua*, XL-VIII: 39-76.

– Henrickson, R. 1986. A regional chronology on Godin III cultural development in central western Iran, *Iran*, XXIV: 1-57.

– Henrickson, R. 1987a. Godin III and the chronology of central western Iran circa 2600-1400 B.C. In the *Archaeology of western Iran*, F. Hole (ed), Washington DC: Smith Sonian institution Press, 205-227.

– Henrickson, R. 1987b. The Godin III chronology for central western Iran 2600-1400 B.C.", *Iranica Antiqua*, XXII: 33-117.

– Henrickson, R. 1991. Ceramics VI-VII, The Broze Age in North Western, western and south western Persia, *Encyclopaedia Iranica*, Vol. 5, Fase. 3: 288-294, E. Yarshater (ed), Mazda publisher, Costa Masa, NeYork.

– Le Breton, L. 1957. The early periods at Susa, Mesopotamian relation, *Iraq*, XIX: 79-124.

– Levine, L.D. and Young, T.J.C. 1986. A summary of the ceramic assemblages of the central western Zagros from the middle to the late third millennium B.C., in: Huot, J.-L. (Ed), *Prehistoire de la Mesopotamie*, Paris, 15-53.

– Schmidt, E. F. Van Loon, M. N. and Curvers, H. H. 1989. The Holmes expedition to Lourestan, 2 Vols, the University of Chicago Press.

– Speth, J.D. 1971. Kunji Cave, *Iran*, IX: 172-173.

– Steve, M. J., and H. Gasche, 1971. L Acropole de Suse, *ADAI*: 46, Leiden: E. J. Brill and Paris: P. Geuthner.

– Sumner, W. 1985. The Proto- Elamite city wall at Tal-I Malyan, *Iran*, XXIII: 153-161.

– Vallat, F. 1971. Les documents epigraphiques de L' Acropole, *cahiers de la DAFI*. 1: 235-245.

– Vanden Berghe, L. 1972. Recherches archeologiques dans Le Luristan, *Cinquieme champagne*: 1969, *Prospections dans Le Pusht-I Kuh Central*, *Iranica Antiqua*, IX: 1-49.

– Wright, H. 1981. An early town on the Dehluran plain, excavations at Tepe Farukhabad, *Memoirs of the Museum of anthropology, university of Michigan*, n. 13.

ered potteries from these graveyards shows very close connections with monochrome painted pottery tradition of Susa IV_A/Godin III. Collected documents indicates that Proto–Elamite influenced the southern valleys of Central Zagros and this had important role on the formation of the monochrome painted pottery tradition of Susa IV_A/Godin III. It seems that this monochrome painted pottery tradition had been spread firstly, in some southern districts of Central Zagros before being expanded throughout the Central Zagros, at Susa IV_A/Godin III period. The results of Belgium archaeological mission (BAMI) excavations in Pusht-i Kuh confirm this condition too. Discovered material from levels 13-15, in Ville Royale I (Susa III_C) indicates that Susa was one of the centers with crucial role in formation of monochrome painted pottery tradition at the end of Susa III period; but we cannot confirm due to unsecure chronology. Population reduction of Susiana plain at Susa III period, is simultaneous with the appearance of numerous graveyards which are attributed to nomadic people at first half of 3rd millennium B.C.; existence of close connections between discovered potteries from graveyards such as Tappeh Ghabrestan, Mir Vally and Dowl Pahn on one part with Susa III_{b-c} potteries and on the other part with Susa IV_A/Godin III potteries and suddenly development of the monochrome painted pottery tradition at throughout of the central Zagros indicates the movement of immigrant people from Susiana to Zagros.

Keywords: Tappeh Ghabrestan-e Darreh Shahr, Ilam province, Proto–Elamite, Central Zagros, Early Bronze Age.

Tappeh Ghabrestan-e Darrehshahr: A Graveyard from the Early Bronze Age Period in Pish-Kuh

Khodakaram Mazaheri

Assistant Professor, Islamic Azad University, Ilam Branch
kh.mazaheri@yahoo.com

Received: 2014/09/01 - Accepted: 2015/12/15

Abstract

In this article, 62 sherds gathered during archaeological surveys of Tappeh Ghabrestan-e Darreh Shahr have studied and analyzed. The site is located at the northwest of modern Darreh Shahr city, one of the towns in Ilam province, on a natural mound, and is a graveyard related to nomadic settlements which. Tappeh Ghabrestan was discovered during the archaeological survey carried out at 2005 for first time, then, was re-surveyed at 2006, having better sampling and make clear that illegal diggers have ruined several graves. The results of indicates that very probability, Tappeh Ghabrestan had assisted in Second quarter of 3rd millennium B.C. The first half of 3rd millennium B.C. is one of the main periods in Central Zagros in which deep changes and culture transformation has happened. One of the most important dimensions of the given transformation is abrupt presentation of the monochrome painted pottery tradition of Susa IV_A/Godin III, which endured more than a millennium and outspread over Central Zagros. Extension of this pottery tradition changed the Central Zagros to an independent culture region, at most of the Bronze Age. Formation quality and sudden presentation of this pottery tradition is still ambiguous, on the other hand, it is not certain that the monochrome painted pottery tradition of Susa IV_A/Godin III appeared at which areas for first time. Pot-sherds from Tappeh Ghabrestan are comparable to those from Early Bronze age discovered from Kunji cave, Mir Vally, Dowl Pahn and Abdanan area graveyards and their potteries belong to second mid of Susa III period; in any case, ceramic fragments of Tappeh Ghabrestan have the most and the closest similarities with potteries from Susa III period, especially, potteries discovered from levels 13-15, in Ville Royale I (Susa III_C). In fact, discovered material from Tappeh Ghabrestan and some graveyards such as Mir Vally and Dowl Pahn have indications of Proto-Elamite period (phases III_B-III_C). This tradition was dominated in southern districts of Central Zagros before the formation of the monochrome painted pottery tradition of Susa IV_A/Godin III. Besides, the discov-